

افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش شانزدهم)

تدویر لویه جرگه اضطراری

همینکه حامد کرزی در رأس اداره حکومت مؤقت قرار گرفت، کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل نیز وارد کابل گردید و ضمن پرداختن به سایر مسایل، رییس و اعضای بیست و یک نفری (وبه قولی سی و پنج نفری) کمیون تدارک " لویه جرگه اضطراری " به ریاست اسماعیل قاسمیار را نیز با کرزی و دیگران تعیین نمود تا کمیون مذکور بر وفق فیصله های کنفرانس بُن، امور مربوط به تدویر چنین مجلس بزرگ را رو براه نمایند. ترکیب این کمیون چنین بود:

* اسماعیل قاسمیار رییس کمیون

* محبوبه حقوقمل نایب رییس کمیون

* الحاج عبدالعزیز نایب رییس کمیون

عبدالسلام رحیمی

امیر محمد عیسی عضو

* اسدالله ولواجی عضو

* عنایت الله کمال عضو

* حاجی ظاهر خان جبار خیل عضو

* حمیرا نعمتی عضو

* محمد فرید حمیدی عضو

* محمد کاظم آهنگ عضو

* محمد محفوظ ندایی عضو

* محمد ظاهر بورگی عضو

* نورمحمد قرقین عضو

* رشید سلجوقی عضو

* صادق مدبر عضو

* سید امین مجاهد عضو

* سید مسعود عضو

* سید موسی توانان عضو

* صبغت الله سنجر عضو

* ثریا پرلیکا عضو

بنابرآن، لویه جرگه یا مجلس بزرگ اضطراری که قبلاً طی کنفرانس بُن درآن مورد فیصله و موافقه صورت گرفته بود و متن موافقتنامه مذکور درج صفحات قبلی این اثرگردید، بتاريخ یازدهم ماه جون 2002 میلادی درکابل و درزیرخیمه بزرگی که ازطرف مقام های آلمان تهیه و نصب گردیده بود، دایرگردید و بتاريخ نوزدهم همین ماه (پس از نه روز) پایان پذیرفت. در این جرگه بزرگ، به تعداد یکهزار و ششصد نفر به شمول محمد ظاهر، پادشاه سابق و عده یی از زنان افغان اشتراک نموده بودند. هرچند تعدادی از اشتراک کننده گان دراین جرگه که عمدتاً اززمره رهبران قبایل، بزرگان اقوام، متنفذین محلی و غیره بودند،

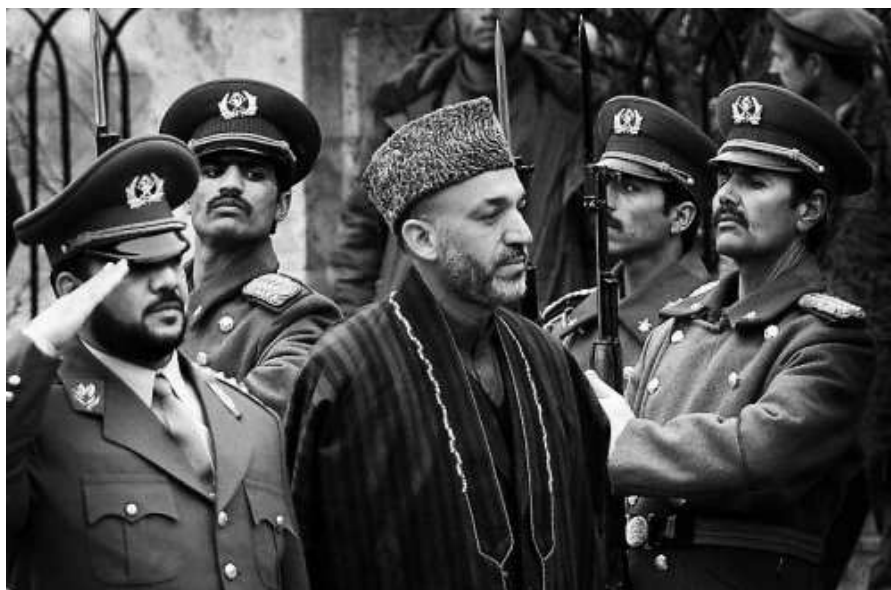
تلاش داشتند تا محمد ظاهرشاه در رأس حکومت قرارگیرد، ولی وی، از یکطرف بخاطر کهولت سن وضعف فکری و جسمی و از جانبی، اقتضای اوضاع خاص فکری و سیاسی (جریان جهادیهها) ی داخل کشور و فشارهای پشت پرده، (عدم رضایت امریکا، روسیه، ایران و پاکستان)، زعامت حامد کرزی بمتابۀ رییس حکومت مؤقت را پذیرفت و جرگه بالمقابل، برای محمد ظاهر لقب " بابای ملت " را اعطا کرد.

برگزاری این " لویه جرگه " در واقع، در میان انبوهی از تشنج و دلهره ناشی از اوضاع شکننده امنیتی و دستکاری های سیاسی صورت گرفت. مثلاً، موجودیت نماینده های احزاب اسلامی - جهادی، تفنگداران سابق، حضور محمد ظاهرشاه و تعدادی از رهبران قبایل و در عین حال، تمرکز جانب امریکا و نماینده آن کشور (زلمی خلیل زاد) بالای حامد کرزی و سایر متضاد های فکری - سیاسی - نظامی، آنهم پس از سالهای جنگ و خصومت در زیر یک سقف، وضعیت عجیبی را به نمایش گذاشته بود. " پیتر تامسن " سابق سفیر امریکا نزد مجاهدین مینویسد : " به تاریخ دهم جون سال 2002 میلادی، از جمله یک هزار و پنجم نماینده ، نهصد تن آن، بجای حامد کرزی از محمد ظاهر شاه حمایت میکردند. لهذا، جلسه لویه جرگه به روز بعد موکول گردید. جنرال عبدالولی رییس مشاوران ظاهرشاه به پاسخ این سوال خبر نگار بی بی سی که آیا ظاهرشاه حاضر خواهد بود رهبری کشور را به عهده بگیرد؟ گفت : تصمیم بدست مردم افغانستان است... آنها تمایل داشتند به چنین موقفی نایل آیند. اما کرزی و خلیل زاد میخواستند برای او { برای ظاهرشاه} موقف تشریفاتی (بابای ملت) را بدهند. از قرینه بر می آمد که نماینده ها به روز یازدهم جون، ظاهر شاه را بعنوان رهبر آینده بر می گزینند. اما شام روز دهم جون، دفعتهً اعلام شد که برنامه تغییر کرده و جلسه فردا (یازدهم جون) دایر نخواهد شد. قرار اظهارات دو شاهد عینی، خلیل زاد ضمن گفت و شنید با جنرال عبدالولی در منزل ظاهرشاه، چنین دیکته کرد که ظاهرشاه باید اعلامیه یی را مبنی بر اینکه وی کاندیدای مقام رهبری نبوده است، از طریق مطبوعات قرائت نماید و عبدالولی در برابر فشار های خلیل زاد قناعتش را ابراز نمود. بنابراین، همکاران کرزی اعلامیه نوشته شده و آماده را برای ظاهر شاه سپردند تا شام روز بعد ضمن یک کنفرانس مطبوعاتی بخواند و وی در حالیکه خلیل زاد در کنارش نشسته بود، اعلامیه را قرائت کرد. " (37)



حامد کرزی درختم لویه جرگه و قبل از آغاز کار، توسط مولوی شینواری، سوگند یاد میکند

حامد کرزی پس از اشغال کرسی ریاست حکومت مؤقت، برای نخستین بار به تاریخ بیست و هفتم ماه جنوری 2002م به ایالات متحده امریکا و انگلستان مسافرت نمود. وی ضمن دیدار با جورج دبلیو. بوش و سایر مقام های حکومتی آن کشور، بخاطر احترامگزاری به قربانیان حادثه تروریستی یازدهم سپتمبر، بالای خرابه های دواآسمان خراش شهر نیویارک اکلیل گل گذاشت و عمل تروریستی یازدهم سپتمبر را محکوم نمود. وی طی همین مسافرت بود که با کوفی عنان سرمنشی سازمان ملل نیز ملاقات نمود. باید گفت که لویه جرگه اضطراری طرحی بود که در سالهای قبل از 2000 میلادی، از طرف محمد ظاهر، پادشاه مخلوع که در ایتالیا بسر میبرد، پیشنهاد شده بود. چنانکه بتاريخ ماه نوامبر و دسامبر سال 2000م، هیأتی از سوی وی به ازبکستان، تاجیکستان، ایران و عربستان سعودی فرستاده شد تا نظر و موافقت رهبران کشورهای مذکور را در این زمینه حاصل نماید. همچنان، هیأت دیگری در ماه جون سال 2001 م به امریکا نیز فرستاده شد و طرفداران محمد ظاهر شاه، بخصوص در ایالات متحده به تلاش و تبلیغات خویش در این زمینه افزودند.



حامدکرزی همراه با مارشال قسیم فهیم وزیردفاع از برابر قطعه ی تشریفاتی عبور میکند.

تذکر این نکته نیز جالب خواهد بود که به سلسله مسافرتها و تماسگیریهای هیأتهای شاه سابق به امریکا، قرارنگارش " پیتر تامسن " که به نقل از شخصی بنام " داوود یعقوب " صورت گرفته است، یکبار، وقتی هیأت روم باساس تقسیم اوقات، به وزارت امور خارجه امریکا وارد میشود تا با آقای الن ایستهم، وکیل وزارت مذکور دیدار نماید، با پیشآمد تحقیر آمیز وی مواجه میشود. " تامسن " مینویسد که :

" وقتی هیأت ظاهر شاه وارد دفتر آقای الن شد، دید که وی به کرسی تکیه داده درحالیکه دستهایش را در عقب سرش گرفته و پاهایش را بالای میز کار قرار داده، با غرور و بی نزاکتی کامل میپرسد : " شما بچه ها چرا اینجا آمدید؟ "

اعضای هیأت درحالیکه حیرت زده شده بودند، یکی از آنها چنین پاسخ داد : " ما غرض خرید به واشنگتن آمده بودیم، سری به کیندی سنتر زدیم و گفتیم شما را هم ملاقات نماییم ..."

به هر حال، در مراحل بعدی، علاوه از آنکه مقام های امریکایی بصورت رسمی از طرح تدویر " لویه جرگه " حمایت بعمل آوردند، تدویر چنین جرگه اضطراری را نیز بعداً

دراجندای کنفرانس بُن گنجانیده و به تصویب رسا نیدند. باید متذکر شد که باساس فیصله های کنفرانس بُن، کمیون های پنجگانه آتی نیز ایجاد گردیدند:

1) کمیون " مستقل " بیست ویک عضوی بعنوان زمینه ساز تدویر " لویه جرگه ی اضطراری "

2) کمیون " مستقل " حقوق بشر

3) کمیون " مستقل " اصلاحات اداری

4) کمیون " مستقل " باز سازی سیستم عدلی و قضایی

5) کمیون " مستقل " تدوین و تسوید قانون اساسی افغانستان (38)

هریک از کمیونهای مذکور، رسماً پس از تشکیل اداره مؤقت شروع بکار نمود که تشکیلات، کارنامه ها، لغزشها، پیروزیها و ناکامی های هر کدام آنها بگونه جداگانه بی قابل بحث و بررسی خواهد بود. حامد کرزی، ضمن مسافرتش به انگلستان، با مقام های حکومتی آن کشور نیز ملاقات نموده تقاضای کمک مالی و نظامی بعمل آورد.

کرزی به سلسله دیدارها و مسافرتهايش به کشورهای خارجی، از اسلام آباد، تهران، دهلی، ماسکو و ممالک دیگر نیز دیدن نمود.

(ادامه دارد)

افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش هفدهم)

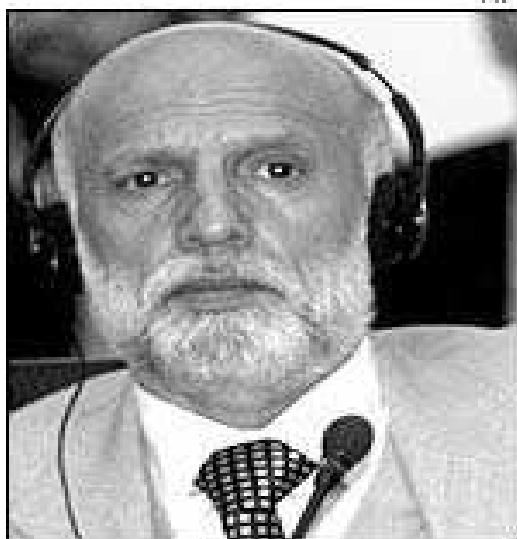
وضعیت قضایی و امنیتی افغانستان پس از "لویه جرگه" اضطراری

در جریان سال 2002 میلادی، با آنکه نیروهای خارجی در کابل و سایر ولایات کشور مستقر گردید و ظاهراً حکومت دوره انتقالی نیز با اعضای کابینه اش ساخته شده بود، باز هم امور امنیتی کشور، فوق العاده شکننده و تلفات شهروندان افغانستان زیاد بود. مثلاً، داکتر عبدالرحمن وزیر هوانوردی حکومت حامد کرزی بتاريخ سیزدهم ماه فبروری، در روز روشن و جلو دیده گان صد ها نفر در میدان هوایی کابل، آنگاه که حُجاج افغانی عازم مکه بودند، در اثر ضرب و شتم شدید به قتل رسید و حکومت نخواست یا نتوانست روی ملحوظاتی که نزد شان وجود داشت، قاتل یا قاتلان او را که کاملاً شناخته شده هم بودند، معرفی و یا مجازات نماید. چنانکه یک منبع ریاست جمهوری در آن زمان صراحتاً اعلام کرد که پنج وزیر کابینه حامد کرزی به شمول جنرال عبدالله توحیدی رییس دستگاه امنیتی و جنرال قلندر بیگ معاون وزارت دفاع حکومت در این قتل دخیل اند.



داکتر عبدالرحمن وزیر هوانوردی در اداره ی مؤقت

حاجی عبدالقدیر سابق رییس شورای جهادی ننگرهار، معاون رییس جمهور و وزیر انکشاف شهری، پس از سقوط امارت گروه طالبان و در جریان حکومت مؤقت، بتاريخ ششم ماه جولای، بازهم در روز روشن در محوطه وزارتخانه اش ترورشده. اسم و رسم قاتل و انگیزه قتل، مانند همیشه در پرده ابهام باقی ماند.



حاجی عبدالقدیر معاون رییس جمهور و وزیر شهرسازی در کابینه ی اداره ی مؤقت

تنها وقوع این رویداد های خونین تروریستی نبود، حاکمیت گروه های (تنظیمی - جهادی)، سیطره افکار مذهبی تعصب آمیز آنها، کشاکش قدرت طلبی و مخاصمات دیرینه در میان افراد و حلقات دولتی موجب گسترش خشونتها، دستگیریها، محاکمات و صدور حکم اعدام علیه دگراندیشان مقیم کشور، به راه اندازی تظاهرات اعتراضی بر ضد اعمال و نوشتار رسانه های جهان غرب مانند اعتراض علیه رسم کاریکاتور حضرت محمد در مطبوعات اروپا، بی حرمتی سربازان امریکایی علیه قرآن در عراق، تعویض مذهب مثلاً از اسلام به عیسویت، چاپ مقاله افشاگرانه یا اعتراضی علیه رهبران جهادی و قیادی، نشر برنامه های آزاد تلویزیونی و امثالهم گردید. آری! در بهار سال 2006 میلادی، یکی از نشریه های دانمارک، کاریکاتوری را بچاپ رسانید که گفته میشد منظور کارتونیست، حضرت محمد بوده است. بنابراین، نیروهای مذهبی تند رو، چنان هنگامه و واویلا به راه انداختند که باعث تظاهرات دامنه دار اعتراضی در تمام شهر کابل و سایر ولایات افغانستان گردید. چنانکه در اثر برخورد با پولیس، تعداد زیادی جان باختند. این در حالی بود که در هیچ یک از کشورهای اسلامی دیگر، بخصوص در عربستان سعودی که مهد آیین اسلام است، اندکترین حرکت اعتراضی انجام داده نشد. و یا شخصی بنام عبدالرحمن در افغانستان، از دین اسلام به دین عیسویت گرایید و مقام های قضایی کشور، با جدیت عجیبی خواستار اعدام وی شدند. همانطور، دستگیری، محاکمه و صدور حکم اعدام برای ژورنالستهای افغان بنام های حسین مهدوی، محقق نسب، پرویز کامبخش، غوث زلمی، نصیر فیاض و حتا ترور فزیکتی برخی از نطقان و هنرپیشه های رادیو تلویزیون و امثالهم در مواقع مختلف را میتوان نام بُرد.

در روز پنجم ماه سپتامبر، هنگامیکه حامد کرزی از شهر قندهار دیدن میکرد، پیش چشم تیز بین محافظان مسلح امریکایی اش مورد سوء قصد قرار گرفت که حمله کننده و یکنفر محافظ مسلح کشته شدند. در سطح کشور نیز تلفات مردم مُلکی گسترده بود.

باساس آمار و احصایه منتشر شده توسط " لوس انجلس تایمز"، " گاردین" و سایر منابع نشراتی، تلفات انسانی مشمول حملات نیروهای خارجی، شدت فقر و گرسنه گی و حملات غیر مستقیم، تنها ظرف یکسال (از 2001 تا 2002م) ازینقرار بود:

کشته شده گان در اثر حملات نیرو های خارجی 3600 نفر

کشته شده گان در اثر فقر و شدت گرسنه گی 320 0 نفر

مجموع کشته شده گان از اکتوبر 2001 تا 2003 م در نتیجه

حملات نظامی مستقیم و غیر مستقیم نیرو های خارجی . . . 23600 نفر (39)

موازی با نا امنی های متذکره و بی نظمی های مالی، سیاسی و نظامی، حامد کرزی با انبوه دیگری از مشکلات درون کشوری نیز مواجه بود. مثلاً، افغانستان هنوز از ناحیه حکومت های محلی نوع ملوک الطوائفی رنج می بُرد. چنانکه اسماعیل خان بحیث " امیر" مناطق جنوب غرب کشور (شامل ایالات هرات، بادغیس، غور، فراه و نیمروز)، تقریباً مستقلانه حکم روایی داشت. عبدالرشید دوستم و عطا محمد نور دوجنگ سالار شمال کشور بخاطر تصاحب قدرت در شمال و حصول پیروزی علیه یکدیگر در ولایت های مزار، جوزجان، شبرغان و متعلقات آن در جدال دایمی بودند و در هرباری که برخورد مسلحانه بعمل می آوردند، خون ده ها نفر به زمین میریخت. پاچاخان زدران یکی از جنگ سالاران جنوب کشور با به راه اندازی عملیات مسلحانه و شلیک موشک بالای شهر گردیز و مخالفت های آشکار علیه حکومت مرکزی، در دسر می آفرید، (چنانکه بتاريخ دوم ماه فبروری 2002م حامد کرزی هیأت نه نفری به ریاست امان الله زدران وزیر امور سرحدات را روانه پکتیا نمود تا پاچاخان و دیگران را راضی و مطیع سازند.)

پاچا خان زدران کسی بود که قبل از اشغال نظامی افغانستان توسط نیرو های امریکایی، از طرف سی آی ای جذب و بخاطر بدست آوردن ولایات خوست، پکتیکا و پکتیا تمویل و مسلح شده بود. والی بی را که حامد کرزی به ولایت پکتیا مقرر نموده بود، از سوی پاچا خان پذیرفته نشده بالمقابل تقاضا داشت تا گردیز مرکز ولایت پکتیا در اختیار او گذاشته شود. وقتی حامد کرزی این تقاضا را رد نمود، پاچا خان اقدام به شلیک موشک بالای شهر نمود.

در عین حال، خواهشات و ناسازگاری های سرکرده گان شورای نظار در درون دولت نو تشکیل، مانع اکثر کارها و تصامیم رییس جمهور میشد، خود سربهای گل آغا شیرزوی و سایر جنگ سالاران در قندهار، وجود " پاتک " ها و باجگیرهای زورگویانه و اخاذی تفنگداران غیر مسوول در مسیر شاهراه ها، تصاحب بندرهای تجارتي (مراکز محصولات گمرکی) و جمع آوری عواید آنها توسط جنگ سالارهای هرات، مزار، ننگرهار و غیره، از جمله آن مشکلاتی بودند که حامد کرزی و یاران خارجی وی باید چاره یی در این زمینه ها می سنجیدند و این " چاره " سازیها در مورد هر یک از مشکلات متذکره، داستان خاص و مفصل خودش را دارد که پرداختن به آنها، هفتاد من کاغذ می طلبد. ناامنی و ناسازگاری میان حلقات مختلف و درچارچوب نهاد های دولتی تا آنجا حاکم بود که رییس جمهور را وادار نمود تا از نیرو های مخصوص و مسلح امریکایی بخاطر حفاظت از جانش استمداد جوید. چنانکه این نیرو ها تا مدتهای دراز، وظیفه حراست از جان کرزی را بعهده داشتند.

لویه جرگه تسوید قانون اساسی

وقتی کمیسیون " مستقل " مربوط به تدویر " لویه جرگه "، مکانیسم لازم غرض برگزاری جلسات چنین جرگه یی را آماده نمود، بتاريخ چهاردهم ماه دسامبر سال 2003 میلادی، جرگه مذکور با خوانش پیام محمد ظاهر که جرگه اضطراری قبلی به وی لقب " بابای ملت

" داده بود، در خیمهٔ مؤقت واقع در ساحةٔ پولیتخنیک کابل در میان موجی از دلهره و تشنج فکری جناح های مخالف سیاسی - نظامی دایر گردید و تا چهارم ماه جنوری 2004م ادامه یافت. در این جرگه، به تعداد پنجم نفر اشتراک داشتند که سه صد و چهار نفر آن " انتخابی"، یکصد و شش نفر آن خانم ها، پنجاه تن آن نماینده های انتصابی از سوی حامد کرزی و چهل و دو نفر آن از میان کوچی ها، اقلیت های قومی و مهاجرین افغان در خاک ایران و پاکستان بودند و هیچ نماینده یی از هزاران افغان پناهنده در کشورهای اروپایی و امریکایی حضور نیافت. صبغت الله مجددی با اخذ دوصد و پنجاه و دو رای، بعنوان رییس جرگه برگزیده شد.

لویه جرگهٔ دومی که غرض تصویب قانون اساسی کشور برگزار گردید، از چند نقطهٔ نظر پُرهنگامه تر بود: تعیین کمیسیونهای ده گانه و گزینش روسای آنها، مکانیسم علمی و حقوقی تسوید قانون اساسی، حضور فزینگی " جهادی " ها و فشار سیاسی اخوانیت روی مواد قانون، تعیین و تحمیل پسوند (اسلامی) در اخیر اسم دولت جمهوری افغانستان، ترتیب و تنظیم سرود ملی با ترکیب شعار " الله اکبر" و همچنان، حضور گروه برتری طلب قومی و زبانی در کمیتهٔ تدارک لویه جرگه، گرایشات سلطنت طلبانه " گروه روم" و فشارهای پیدا و پنهان نماینده های سیاسی و اطلاعاتی کشورهای همسایه و قدرت های بزرگ بالای نماینده ها و تا حد زیادی التهاب ناشی از بی اعتمادی و عدم پذیرش یکدیگر میان جناح های متخاصم جهادی و قیادی، همه و همه برتب و تاب این جرگه می افزود. آنچه جلسهٔ عمومی را در یک مرحله متشنج نمود، فریاد های خانمی بنام "ملالی جويا" نمایندهٔ مردم ولایت فراه بود که از عقب مکروفون، رهبران جهادی و تعدادی از جنگ سالارانی را که در صف اول مجلس نشسته و یا بحیث روسای کمیسیون ده گانه تعیین شده بودند، خاینان و جنایتکاران خواند و علیه حضور و نقش آنان در این جرگه اعتراض نمود. فریاد اعتراض "ملالی جويا" در میان مجلس عمومی، رهبران جهادی و طرفداران آنها را چنان آشفته و عصبانی ساخت که صبغت الله مجددی که هم یکی از رهبران جهادی و هم

رییس مجلس بود، در میان دشنام های رکیک و نعره های " الله اکبر " جهادیه‌ها، خطاب به محافظان خیمه دستور داد تا " آن خانم گستاخ و کمونیست " را اخراج نمایند که این صحنه از دیدگاه خارجی ها و افراد متمدن و مذهب داخلی، بسیار مضحک بود. بعداً صبغت الله مجددی، خطاب به خانم " جويا " گفت، از سخنانش معذرت بخواهد. این تقاضای رییس جرگه از سوی این زن شجاع افغان رد شد. تشنج دیگری که در میان این " لویه جرگه " بالا گرفت، ناشی از بحث روی پسوند جمهوری افغانستان بود. محافظه کاران دینی و جهادی های دست راستی پیشنهاد نمودند که اسم دولت جدید افغانستان را " جمهوری اسلامی افغانستان " تعیین نمایند، ولی تعداد دیگری از اعضای روشنفکرتر جرگه اظهار داشتند که تنها " جمهوری افغانستان " پذیرفته شود و پسوند اسلامی در آن ضرور نیست، اما این تعداد از نماینده ها، از سوی رهبران جهادی، بخصوص از طرف صبغت الله مجددی، برهان الدین ربانی و رسول سیاف متهم به " کمونیست " و " کافر " بودن شده شعارها و قیل و قال زیادی را براه انداختند.



ملالی جويا حين اعتراض عليه جنایتکاران جنگی در مجلس " لویه جرگه "

تلاش ها، تهدید ها و تقلا های چند جانبه تا آنجا دامن گسترده بودند که رییس " لویه جرگه "، (صبغت الله مجددی) به روز هفدهم جلسات آن با صراحت افشا نمود که برخی از

اسناد مربوط به اصلاحات و تعدیلات مواد قانون اساسی، از دایره کمیسیون های تعیین شده تا مجلس، از سوی افراد متعلق به حکومت انتقالی حامد کرزی به سرقت رفته است .

موضوع دیگری که طی جلسات " لویه جرگه " با جدیت مطرح و موجب ایجاد تشنج میان " نمایندگان " شده بود، نوع نظام آینده بود. بدین معنا که بخشی از " نماینده ها " پافشاری داشتند که نظام آینده کشور باید پارلمانی باشد و بخش دیگر، روی نظام متمرکز ریاستی حاوی قدرت و صلاحیت وسیع اصرار داشتند. آنانیکه نظام آینده افغانستان را ریاستی میخواستند عبارت بودند از : صبغت الله مجددی، پیرگیلانی، داکتر مخدوم رهین، علی احمد جلالی وزیر امور داخله، اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل و امثالهم که در واقع، خواست ایالات متحده آمریکا نیز همین بود. طرفداران نظام پارلمانی را برهان الدین ربانی، مارشال محمد قسیم فهیم، جنرال عبدالرشید دوستم، کریم خلیلی، یونس قانونی، شیخ آصف محسنی، انوری، کاظمی، رسول سیاف و غیره تشکیل میدادند که عمدتاً بنام جنگ سالاران و بنیاد گرایان اسلامی شهرت داشتند.

در بخش نامگذاری رسمی جمهوری افغانستان در جلسات " لویه جرگه"، اظهارات صبغت الله مجددی رئیس آن جرگه جالب بود که گفت : " هرکس با جمهوری اسلامی مخالف است، کافرو ملحد است. افغانستان به یک قدرت مرکزی و به یک رئیس جمهور که از دید اسلام و وظیفه خلافت را دارد، ضرورت داشته و کرزی آدم خوب است، باید صلاحیت بدهیم تا به مردم افغانستان و به دین اسلام خدمت نمایند. "

چنین اظهارات بیباکانه رئیس مجلس، آنهم به سود افکار سیاسی خودش و به منفعت شخص حامد کرزی، حقانیت، بیطرفی و استقلال او را که شرط اساسی موقعیت رئیس جرگه بود، در برابر این مجلس بزرگ زایل نموده فیصله های اعضای مجلس را بی اعتبار ساخت. یا بعبارة دیگر، اعلام صریح و تاکتیکی " کفر " و " الحاد " توسط مجددی، آنهم در یک جامعه کاملاً سنتی و اسلامی، به معنای خلع سلاح دگرانديشان در برابر خواست و تصمیم از قبل اتخاذ شده سیاسی تلقی گردید.

مواد قانون اساسی مصوبه سال 2004م افغانستان، در بخش صلاحیتهای رییس جمهور و پارلمان وزبانهها، چنین میگوید :

- 1- رییس جمهور در رأس نظام ریاستی قرار دارد که دارای دو معاون میباشد.
 - 2- رییس جمهور، صلاحیت نهایی قوای سه گانه (مقننه، قضاییه و اجراییه) و نیز، فرماندهی کل نیرو های مسلح کشور را به عهده دارد. چنانکه رییس قضا و اعضای کابینه را با تأیید پارلمان بر می گزیند.
 - 3- رییس جمهور یک سوم اعضای مجلس سنا را خود تعیین میکند. (دو سوم اعضای مجلس سنا از نماینده گان و یک سوم دیگر آن توسط رییس جمهور نصب میشود.)
 - 4- اعضای پارلمان از طریق رای عامه انتخاب میشود.
 - 5- خطوط اصلی و اساسی سیاست خارجی کشور را پارلمان و سیاست داخلی را رییس جمهور کشور تعیین میکند.
 - 6- وزرای کابینه رییس جمهور نباید تابعیت غیر افغانی داشته باشند و در صورت ضرورت، وزیری که دارای دو تابعیت است، به پیشنهاد رییس جمهور و تأیید اعضای پارلمان پذیرفته میشود.
 - 7- زبان های رسمی افغانستان عمدتاً فارسی و پشتو بوده سایر زبانها و از جمله، ترکمنی، ازبکی، بلوچی، نورستانی، پشه ای و غیره در محلات و مناطق خودشان رسمیت خواهند داشت. (40)
- مسوده ابتدایی مواد قانون اساسی که توسط کمیسیون پانزده عضوی صورت گرفته بود، به تاریخ چهارم ماه جنوری سال 2004 م به کمیسیون وسیع تر تدقیق و بررسی سپرده شده و پس از طی مراحل نهایی، مورد بحث جرگه قرار داده شد. این، البته همان کمیونی بود که بقول آقای مجددی، بخش عمده تعدیلات و اصلاحاتی که در متن مواد قانون وارد نموده بودند، توسط تیم کاری مسلط (جانبدار حامد کرزی) در میان راه به سرقت رفت. باید علاوه نمود که تیم فعال اخوانیت در این جرگه که عمدتاً توسط روسای تنظیم های اسلامی- جهادی مانند شیخ آصف محسنی، عبدالرب رسول سیاف، برهان الدین ربانی، صبغت الله مجددی

وامثالهم تمثیل میشود، تلاش جدی و مشترکی را بخاطر تحمیل افکار و اندیشه های راست گرایانه و انحصاری شان به راه انداختن تا از درج و تصویب مواد دموکراتیک در قانون اساسی جلوگیری نموده بقای فکری و فزیکیشان در حیات سیاسی و آینده کشور را تضمین نمایند که کردند. مثلاً، پسوند " اسلامی " را بر دولت جمهوری افغانستان تحمیل کردند، در سرود ملی، کلمه و شعار " الله اکبر " را گنجانیدند، تشکیل احزاب سیاسی در آینده کشور را فقط به " اسلامی بودن " احزاب مذکور مشروط ساختند و بالاخره، معجون مرکبی را در متن قانون اساسی بوجود آوردند که بخشهایی از آن، مغایر خواسته های اصلی و اساسی مردم افغانستان بودند که اهل خبره میتواند آنرا بصورت اختصاصی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد .

قرار نشرات رسمی آن زمان، مصارف لویه جرگه قانون اساسی بالغ بر (سیزده ملیون و یکصد و بیست و دو هزار و هفتصد و هفده دالر امریکایی) گردید که وجه متذکره از سوی کشورهای کانادا، قبرس، دانمارک، فنلند، جرمنی، جاپان، ناروی، سویزرلند، بریتانیا و امریکا پرداخته شد و مخارج ساختمان و نصب خیمه بزرگی که در آن " لویه جرگه " دایر شد، به ارزش شش ملیون (یورو) از سوی حکومت جرمنی به عهده گرفته شد. این نکته نیز گفتنی است که عمارت پارلمان افغانستان در اثر جنگهای بین التنظيمی در سالهای (1992-1996م) خسارت بزرگی برداشته بود. و اما دولت هندوستان به سلسله مساعدتهای مالی، صحی، تعلیمی و عمرانی خویش در فضای جدید پس از سال 2001 میلادی، عمارت مذکور را باز سازی نمود و به اختیار دولت افغانستان قرار داد.

(ادامه دارد)

افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش هجدهم)

تشکیل پارلمان و برخی از فیصله های آن

انتخابات پارلمانی دو اتاقه (سنا و شورا)، پس از تصویب قانون اساسی و بر وفق ماده (82) مندرج آن، در ماه سپتامبر سال 2005 میلادی در افغانستان دایر گردید که بیش از دو هزار نفر شامل فهرست کاندیداتوری یا نامزدی بودند. برای نخستین دور پارلمان افغانستان (پس از سقوط امارت گروه طالبان)، به تعداد دوصد و چهل و نه کرسی از سی و چهار ولایت اختصاص داده شد و اندکی پس از پروسه انتخاباتی و تشکیل نهاد های اداری آن، جلسات مجلس مذکور آغاز گردید. آغاز و انجام فعالیت های انتخاباتی نیز خالی از سر و صدا های سیاسی، اعتراضی و تبلیغاتی نبود. بخصوص، نامزدی و "پیروزی" و تکیه زدن آن عده از افراد و عناصری که نزد ملت افغانستان متهم به خیانت ملی، جنایات جنگی، قتل و آدم کشی بودند، به کرسی های پارلمان، این سر و صدا ها را سراسری تر نمود. ولی با آنهم، تعداد زیادی از این گونه افراد و اشخاص آلوده با جرایم، یا از طریق پرداخت پول و یا با زور تفنگ، تهدید، توطئه و ترفند، به این مؤسسه قانون گذاری راه یافتند. روی همین ملحوظ بود که علاوه از موجودیت کاستی های بزرگ علمی، حقوقی، اخلاقی و ملاحظات غلیظ قومی و زبانی و تنظیمی ... در میان اعضای پارلمان، این مجمع معجون

مرکب، در اوایل سال 2007 میلادی فیصله‌ی بی‌راهه بنام "مصالحه ملی" یا (مصوبه عفو جنایتکاران جنگی) طی یازده ماده به تصویب رسانید که به این گونه، آخرین امید نسبی اکثریت مردم افغانستان را به ناامیدی مبدل نمود. متن کامل مصوبه مذکور ازینقرار بود:

" 1- جهاد، مقاومت و مبارزه برحق مردم ما در راه دفاع از دین و وطن، فرازهای شکوهمند تاریخ کشور بوده و از افتخارات بارز ملی مردم ما محسوب میشوند و باید به آن ارج گذاشته شده و سنگر داران آن تقدیر و در چوکات نظام جمهوری اسلامی افغانستان با آنان برخورد مناسب صورت گرفته و از هرگونه تعرض مصوون بمانند.

2 - تمامی جناح‌های سیاسی و طرف‌های متخاصم که طی دو نیم دهه جنگ به نحوی با هم درگیر بوده اند به منظور آشتی بین اقشار مختلف جامعه، تحکیم صلح و ثبات و آغاز زنده‌گی نوین در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان، مشمول برنامه مصالحه ملی و همدیگر بخشی بوده و مورد تعقیب عدلی و حقوقی قرار نمی‌گیرند.

3 - گزارشهای نادرست سازمان دیده بان حقوق بشر که در باره رهبران جهادی و شخصیت‌های ملی کشور نشر گردیده ناشی از نیت مشکوک بوده شورای ملی افغانستان آن را فاقد اعتبار اعلام مینماید.

4 - تمامی کسانی که تا هنوز در مخالفت مسلحانه با دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته و پس از این به پروسه مصالحه ملی پیوسته و به قانون افغانستان و قوانین نافذ کشور احترام میگذارند از مزایای مفاد ماده دوم این منشور برخوردار می‌باشند.

5- هیچ گروه و جریان سیاسی از این منشور مستثنی نمی‌گردد.

6- برای کمک به ختم خشونت‌ها و بی‌اعتمادی بین دولت و جناح‌های مخالف مسلح و تحکیم ثبات و مصالحه ملی، کمیسیون فوق‌العاده از سوی ولسی جرگه تعیین گردد تا زمینه پیوستن آنان را به پروسه تحکیم ثبات و مصالحه ملی مساعد گرداند.

7- باتشکیل شورای ملی افغانستان، تمام قوانین و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان مقایسه گردیده و تنها قانونی برای دولت و مردم افغانستان الزام آور می باشد که به تصویب شورای ملی افغانستان برسد.

8- ولسی جرگه افغانستان به منظور تقویة صلح و ثبات و ختم جنگ از تمامی گروههای مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان دعوت بعمل می آورد تا به پروسة تحکیم ثبات و مصالحه ملی افغانستان بپیوندند.

9- ولسی جرگه افغانستان طرح ماین گذاری و کشیدن سیم خار دار در امتداد خط دیورند را راه حل مناسب برای کنترل و مهار کردن تروریسم ندانسته و باور دارد که باید تروریسم از راه برچیدن مراکز تعلیم، تجهیز و تمویل آن مهار و کنترل گردد.

10- ولسی جرگه ضمن تأکید بر استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، روابط حسنه و صلح آمیز با همسایه گان را در صدر اولویت های خویش قرار داده و برای تحقق آن صادقانه تلاش مینماید.

11- رسانه های همه گانی باید مفاد منشور مصالحه را در نظر داشته و برای تقویة صلح و آشتی ملی تلاش نمایند.

12- منشور مصالحه و آشتی ملی طی یازده ماده تصویب و قابل اجرا می باشد. " (41)

این بود تبانی و توافق دو جبهه " کفر " و " اسلام " روی تقسیم قدرت سیاسی و کسب امتیاز و " همدگر بخشی صمیمانه " میان ناقضان حقوق بشر در افغانستان.



یکی از جلسات پارلمان افغانستان

مصوبه دیگری که در ماه اپریل سال 2009 میلادی توسط عده یی از رهبران تنظیم های جهادی و " روحانیون " اهل تشیع به رهبری " شیخ آصف محسنی " در پارلمان صورت گرفت و موجب اعتراض ها و انتقاد های شدید در حلقات مختلف روشنفکری و جامعه مدنی افغانستان و به راه اندازی تظاهرات گسترده در شهر کابل گردید، بنام " احوال شخصی اهل تشیع " بود. این مصوبه پارلمان، زنان کشور را بگونه خاصی تحقیر نموده " حقوق " پدرسالاری (شوهرسالاری) در خانواده و حریم خصوصی شهروندان را هم به رسمیت می شناخت و هم بیش تر از پیش تقویت میکرد. جالب این بود که رییس جمهور، علی رغم آنکه میدانست مصوبه مذکور مغایر مقتضیات جامعه مدنی و مخالف ارزشهای دموکراسی و حقوق بشر است، در پای آن امضا گذاشت. در جریان تظاهراتی که صدها زن آگاه افغان در خیابان های شهر کابل به راه انداختند، طلبه های سیه پوش و نقابدار مدرسه " شیخ آصف محسنی"، باتأثیر پذیری از اندیشه های حاکم در چارچوب این مدرسه، علیه تظاهر کننده گان معترض، زبان به فحاشی گشوده و به پرتاب سنگ و چوب به سوی آنان متوسل شدند.

به سلسله اشاعه افکار رجعت گرایانه برخی از رهبران " تنظیم " های اسلامی - جهادی، همینکه " شورای علمای افغانستان " در سالهای پس از انتخابات پارلمانی، با یکصد و پنجاه عضو تأسیس گردید، این شورا، هراز گاهی، با صدور اعلامیه ها و بخصوص اعتراض ها و مداخله های متواتر در بخش نشرات و مطبوعات و ممانعت زنان و دو شیزه گان از فعالیتهای هنری و فرهنگی، هژمونی ایدئولوژیک اش را قدم به قدم استحکام می بخشید. چنانکه اعلامیه یی را در ماه مارچ سال 2012 میلادی (حوت 1309 خورشیدی) به امضای ملاقیام الدین کشاف مبنی بر " تفکیک جنسیت زنان و مردان در محلات آموزشی، دفاتر، مکاتب، بسهای شهری و ... قرار آتی صادر نمود. جالب این بود که این اعلامیه، بجای آنکه از طریق نشریه ماهانه شورای مذکور به نشر برسد، از مجرای سایت انترنتی دفتر ریاست جمهوری افغانستان به اطلاع عامه رسا نیده شد:

الف) پابندی به اوامر و نواهی شریعت مطهر اسلام در عقیده و عمل

ب) حفظ و رعایت کامل حجاب شرعی که باعث حفظ آبرو و شخصیت زن میگردد

ج) دوری جستن از اختلاط با مردان بیگانه در عرصه های مختلف اجتماعی، مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زنده گی

د) در نظر گرفتن صراحت آیات (1) و (34) سوره النساء که مشعر است در خلقت بشر مرد اصل و زن فرع میباشد و نیز قوامیت از آن رجال است. لذا از استعمال الفاظ و اصطلاحات که با مفهوم آیات مبارکه در تضاد باشد، جداً اجتناب شود

ه) ارج گذاشتن به مسأله تعدد زوجات که به اساس حکم صریح قرآن ثابت میباشد

و) اجتناب از سفر بدون محرم شرعی

ز) التزام به حکم شریعت غرای محمد در مورد طلاق

این فیصله و اعلامیه، در حالیکه بیانگر تمایل بیشتر رییس و اعضای شورای علما و شخص رییس جمهور به سوی گروه طالبان، حزب اسلامی و بصورت کل، به جانب بنیادگرایی مذهبی بود، از دید آگاهان، دانشمندان، زنان، جامعه مدنی و حلقات روشنفکری افغانستان، تلاشی در جهت نقض بیشتر حقوق زنان و دامن زدن به تعصب فکری و مذهبی و کُندسازی روند پیشرفت و جلوگیری از جهش به سوی ترقی کشور خوانده شد و اعتراض های وسیع در سراسر مملکت را در قبال داشت. (42)



ملا قیام الدین کشاف رییس شورای علما

شماری از زنان، مردان، سیاسیون، نهاد های مدنی و تحلیلگران افغانستان اظهار داشتند که در عقب این گونه اعلامیه ها، هدف سیاسی نهفته است و تصور می رود حکومت در تلاش است برای اینکه راهی را بسوی مذاکره با گروه طالبان بگشاید، می خواهد با چنین اقدامات عقبگرایانه، برای طالبان بفهماند که سیاست های دولت با این گروه تفاوتی ندارد.

افغانستان طی یک صحبت رسمی اظهار داشت که " سند هایی را در اختیار دارد که پنجاه در صد اعضای شورای ملی در فساد اداری دست دارند، پدیده ای که حالا گسترش آن در نهاد های کلیدی دولت انتقاد های سخت جامعه جهانی را به همراه شده است ... " (43)

"شبکه اطلاع رسانی افغانستان " در ماه ثور سال 1392 خورشیدی از قول سخنگوی وزارت امور داخله افغانستان چنین نوشت : " ... بیش از پانزده هزار مکتوب از نماینده گان پارلمان به وزارت داخله مواصلت نموده که بیشترین آنها به خواست های غیر قانونی، از تقرر والی ها گرفته تا قوماندان ها ، ولسوال ها ، درخواست موترهای بهتر، افزایش تعداد بادی گاردها، مجوز موترهای تکسی، صدور اجازه نامه برای عبور موتر های بدون نمبرپلیت و غیره میباشد...کمتر درخواستی برای حل مشکلات مردم در نقاط مختلف افغانستان بوده است ... همچنان، آزاد سازی طالبان، اختطاف گران و مجرمان از بند و زندان نیز بخشی از درخواست های نماینده گان پارلمان بوده است ... "

روز پانزدهم ماه می 2013م بود که وزیر مالیة دولت حامد کرزی که غرض استجواب به پارلمان رفته بود، ضمن یک سخنرانی، تعدادی از وکلا را متهم به ارتکاب اعمال غیرقانونی، از آن جمله، قاچاق مواد الکولی، مواد خوراکه، ماشین آلات و امثالهم از خارج بدخل افغانستان نمود. جالب این بود که وزیر مالیة، بصورت رویا روی، در حالیکه در برابر مجموع وکلا قرار داشت، به تعداد شش تن از آن ها را نام بُرد که در فعالیت های ضد قانونی منهمک بودند. اینها عبارت بودند از ظاهر قدیر وکیل ننگرهار، محمود سلیمان وکیل ولایت پکتیا، حمیدزی لالی وکیل ولایت قندهار، سمیع الله صمیم وکیل ولایت فراه، عارف رحمانی وکیل ولایت غزنی و محمد عظیم محسنی وکیل ولایت بغلان .

نکته جالب در این میان این بود که "ظاهر قدیر" با طمطراق عجیبی پس از بیان این اتهامات در پارلمان گفت : " مالک سه صد عراده موتر است که بیست عراده آن ضد گلوله میباشد، مصارف ماهانه اش بالغ بر سه صد الی چهار صد هزار دالراست و سه صد و پنجاه ملیون دالر سرمایه دارد... " ، ولی این " وکیل" پارلمان نگفت که آنهمه پول و دارایی را، آنهم در یک کشور فقیر، عقب مانده، جنگزده و محتاج از کجا آورده است ؟ هیچ کسی در داخل پارلمان نیز این سوال را مطرح نکرد.

عقبگرایی و افکار متحجر در میان تعداد زیادی از اعضای پارلمان افغانستان تا آنجا استیلا داشت که وقتی " قانون منع خشونت علیه زنان " برای تصویب به مجلس پیش گردید، سروصدا ها، اعتراضها و موانع آشکار و علنی در برابر آن از سوی همان وکلای ضد دموکراسی و ضد حقوق زن به نمایش گذاشته شد. این موضوع آنقدر دامن زده شد که بسیاری از رسانه های چاپی و تصویری داخلی و خارجی کشور و کتله های متعدد افغانها در کشورهای مختلف جهان، بدان توجه مبذول داشته موضعگیری ارتجاعی وکلا را به باد استهزا گرفتند.

" قانون منع خشونت علیه زنان " که گام کوچکی بود در راه حراست از حق انسانی و مدنی زنان کشور، البته قبلاً مسوده شده و طی صدور فرمان تقنینی به توشیح رییس جمهور نیز رسیده بود و اما برخی از وکلای زن در پارلمان، خواستند آنرا از تصویب اعضای پارلمان نیز بگذرانند. در قانون مذکور، سن ازدواج دختران، رواج چند همسری، اجازه والدین در امر ازدواج، مجازات در برابر تجاوز جنسی، فعالیت خانه های امن و خشونت فیزیکی در مقابل زنان گنجانیده شده و تقاضا بعمل آمده بود تا طبق مقتضیات زنده گی مدنی از تصویب بگذرد. اما آنانیکه هنوز هم میخواستند و یا میخواهند در پناه شریعت طلبی های متظاهرانه و اسلام پناهی های تیره اندیشانه بخرامند و از این ناحیه کمافی السابق سود بردارند، برخلاف قانون مذکور، چند همسری را روا دانسته، خانه های امن را " فاحشه خانه ها " نامیدند، خشونت فیزیکی علیه زنان را لازم پنداشته و سن ازدواج را هم، همان سن صغارت خواندند و یکباردیگر به اثبات رسا نیدند که هنوز هم افکار و اندیشه های متحجر طالبی و قرون وسطایی در ذهن و ضمیر دارند و به هیچوجه حاضر نیستند پیام آور پیشرفت و سعادت برای نسل محروم و مظلوم زن در افغانستان باشند.

یکی دیگر از فیصله ها و مصوبات بی سابقه، غیرقانونی و شرم آور پارلمان افغانستان تحت عنوان " مصوونیت و حقوق اعضای پارلمان " این بود که برای اعضای پارلمان، حتا پس از سالهای دوره وکالت شان، تأمین امنیت، امتیازات سیاسی و حقوق ماهیانه می بخشید. این مصوبه در چهار فصل و بیست ماده، طی نشستی با اکثریت آرا صورت گرفت. باسناد گزارش خبرگزاری بی بی سی از داخل پارلمان افغانستان، این قانون جدید که در میانه ماه جولای 2014 م به تصویب اکثریت اعضا رسید، دارای دو بخش بود: بخش اول شامل حقوق، امتیازات، مصوونیت و مسوولیت های نماینده مجلس در زمان کاری اش و بخش دوم، عبارت از امتیازاتی بود که مربوط به سالهای پس از کار رسمی آنها میشد. در مصوبه مورد نظر گنجانیده شده بود که برای هر وکیل پس از ختم دوره وکالتش نیز دو محافظ {دو فرد مسلح}، پاسپورت سیاسی، امتیاز حضور یافتن در مجالس رسمی بنام "

شخصیت ملی " و بیست و پنج درصد حقوق زمان وکالت {پنجاه هزار افغانی} " مادام العمر " مدنظر گرفته شود.

این فیصله درحالی ازطرف وکلا صورت گرفت که هم دوره کار سیزده ساله حامد کرزی بحیث رییس جمهور وهم دور دوم کار مجلس پارلمان رو به اختتام بود، کشمکشهای تند انتخاباتی میان دو تیم عمده مربوط به نامزد های کرسی ریاست جمهوری ادامه داشت، باساس نشرآماراسوی اداره مصوونیت ملی، چهارهزارتروریست طالبی و پاکستانی و چینی و ... ازخاک پاکستان بالای ولایت هلمند حمله مسلحانه خونین انجام داده بودند، شلیک توپخانه یی نظامیان پاکستان بالای ولایت کنرادامه داشت، هزاران " پناهنده " پاکستانی (قسماً مسلح) ازوزیرستان شمالی وارد خاک افغانستان شده بودند، فقر اقتصادی و دردبیکاری و بی روزگاری در کشور بیداد میکرد، حملات تروریستی، کشتارها و انفجارهای پیهم درشهرها و ولایات توسط گروه طالبان ادامه داشت و هزاران هزارمعیوب و معلول و یتیم و بیوه و بی سر پناه به سختی درسراسر کشور نفس میکشیدند.

این فیصله امتیازطلبانه و بیدردانه اگر ازیکطرف به تعداد سه صد تن اعضای پارلمان را شاد و مسرورساخته بود، از سوی دیگر، موجب اعتراض های شدید از سوی تعداد اندکی (تنها هشت تن) ازوکلا داخل مجلس، جامعه مدنی، رسانه های آزاد، حلقات روشنفکری و مردم عوام گردیده این اقدام را شرم آورخواندند. همین اعتراض های گسترده ملی و رسانه یی موجب گردید که وقتی مصوبه مورد نظر، غرض بررسی و تأیید به " مشرانو جرگه " یا مجلس سنا رفت، با اکثریت آرا ردشد.

وبسایت " کابل پرس"، فهرست اسمای وکلا، تعداد محافظان مسلح وکلا و مجموع محافظان پارلمان افغانستان را در آستانه این سر و صدا ها به نشر رسانید که ما کاپی عین فهرست را به نقل ازمنبع مذکور، در اینجا درج مینماییم تا بملاحظه آن، اوضاع واحوال سیاسی،

امنیتی، پارلمانی و بیروکرسی دوران زعامت حامد کرزی برای خواننده محترم بیشتر روشن شود:

ردیف	اسم	وظیفه	تعداد افراد	مقام امر دخله	موقف	ملاحظه
۱	استاد عبدالرب رسول سوبق*	وکیل ولس جرگه و رهبر جهش	۲۹	رئیس دفتر مقام	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۳۱
۲	حاجی الماس	وکیل ولس جرگه	۲۰	وزیر صاحب داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۷/۲۱
۳	احمد بهزاد	وکیل ولس جرگه	۵	وزیر صاحب داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۱۷
۴	ملا تره خیل	وکیل ولس جرگه	۴۱	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۸/۱/۱۱
۵	شهباز شيرولی وردک	وکیل ولس جرگه	۱	معین صاحب تامیناتی	وکیل برحال	۱۳۸۸/۱/۲۲
۶	صیغوره بهاری	وکیل ولس جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۲۴
۷	رونکیه کارگر	وکیل ولس جرگه	۴	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۱۱
۸	احمدشاه رمضان	وکیل ولس جرگه	۷	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۴
۹	سلور ابوالخانی	وکیل ولس جرگه	۲	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۸۹/۹/۱۷
۱۰	جدالستار خلوصی	مفتی ولس جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۱۰
۱۱	فوزیه کوفی	وکیل ولس جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۱۰
۱۲	سید منصور ناری	وکیل ولس جرگه	۲	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۰
۱۳	حاجی میر رحمن	وکیل ولس جرگه	۴	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۴
۱۴	فرهاد سیدی	وکیل ولس جرگه	۵	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۱۸
۱۵	خادم صمیم خدایان	وکیل ولس جرگه	۲	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۸۹/۳/۱۴
۱۶	نصرتشاه ابرکاری	وکیل ولس جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۱۵
۱۷	گوری بهشتی	وکیل ولس جرگه	۳	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۸۸/۱/۲۴
۱۸	سید حسین نوروزی	وکیل ولس جرگه	۱۰	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۹
۱۹	سید الله فرغانی	وکیل	۲	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۱۸
۲۰	حاجی محمد خانزاد	وکیل	۲	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱۲/۱۸
۲۱	عزیزه جلیس	وکیل ولس جرگه	۱	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۹/۱/۱۲
۲۲	راشه کبیرا	وکیل ولس جرگه	۳	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۸۸/۱/۲۰
۲۳	ناجیه ایمنی	وکیل ولس جرگه	۳	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۸۸/۱/۱۲
۲۴	حبیبه دانش	وکیل ولس جرگه	۷	معین صاحب تامیناتی	وکیل برحال	۱۳۸۹/۷/۱۱
۲۵	مریت منگل	وکیل ولس جرگه	۲	معین صاحب امنیتی		
۲۶	حیدر الله	وکیل	۲	قوماندان ع. هاشم و جنبه		۱۳۹۰/۷/۲۶
۲۷	داکتر انوار ابراهیمی	وکیل ولس جرگه	۳	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۱
۲۸	قین حسن	وکیل ولس جرگه	۴	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	۱۳۹۰/۷/۲۶
۲۹	فریادتی عرفانی	وکیل ولس جرگه	۸	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	
۳۰	شیرین بلخاری	وکیل ولس جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخله	وکیل برحال	

ردیف	اسم	وظیفه	تعداد افراد	مقام امر داخلة	موقت	تاریخ
۳۱	✓ فرهاد خطیبی	نائب مقرر ولسی جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۶
۳۲	✓ محمد نعیم لالی حمیدزی	وکیل ولسی جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۲
۳۳	✓ جنرال نقیب الله	وکیل ولسی جرگه	۲	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	
۳۴	✓ محمد یونس قانونی	وکیل ولسی جرگه	۲۹	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۲
۳۵	✓ ملا عزت الله عطای	وکیل ولسی جرگه	۲۳	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۷
۳۶	✓ شایسته یاز صافی	وکیل ولسی جرگه	۴	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	
۳۷	✓ حاجی محمد محقق	وکیل ولسی جرگه	۷	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	
۳۸	✓ محمد نور اکبری	وکیل ولسی جرگه	۶	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۷
۳۹	✓ شکر علیہ پیکان	وکیل ولسی جرگه	۱	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۴
۴۰	✓ طاہرہ مجیدی	وکیل ولسی جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۲
۴۱	✓ مولوی شہزادہ شاد	وکیل ولسی جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۴
۴۲	✓ محمد نادر افشاری	وکیل ولسی جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۴
۴۳	✓ حمید اللہ لوی	وکیل ولسی جرگه	۳	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۵
۴۴	✓ علی ارشد	وکیل ولسی جرگه	۲	معین صاحب امنیتی	وکیل برحال	
۴۵	✓ شریف اللہ کمارال	وکیل ولسی جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۲۲
۴۶	✓ شایسته یاز نامتوری	وکیل ولسی جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۳/۳۱
۴۷	✓ عرفان اللہ عرفانی	وکیل ولسی جرگه	۱	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	
۴۸	✓ سید حسین عالمی بلخی	وکیل ولسی جرگه	۱	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	
۴۹	✓ عبدالملق حسینی	وکیل	۱	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	
۵۰	✓ عبدالاحد درانی	وکیل	۲	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	
۵۱	✓ انجنیر نعمت اقبال صافی	وکیل ولسی جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل برحال	۱۳۹۰/۱۱/۳
۵۲	✓ حاجی بیگلر	مستور	۲	وزیر صاحب امور داخلة	مستور سابق	۱۳۹۰/۲/۲۷
۵۳	✓ زہرا شریفی	مستور	۳	وزیر صاحب امور داخلة	برحال	۳۹/۱/۲۰
۵۴	✓ پادشاه خان ککرا	وکیل	۹	وزیر صاحب امور داخلة	وکیل سابق	۱۳۹۰/۱/۱۶
۵۵	✓ شہناز خروسی	مستور	۲	وزیر صاحب امور داخلة	مستور برحال	۱۳۹۰/۳/۱۵
۵۶	✓ محمد حیدر شازی زلمہ	مستور	۲	وزیر صاحب امور داخلة	برحال	۱۳۸۸/۱/۱۲
۵۷	✓ بیدار خاکی	وکیل	۳	معین صاحب امنیتی	وکیل امن	۱۳۸۹/۵/۱۱
۵۸	✓ پیکار بی بی	مستور	۲	معین صاحب امنیتی	برحال	۲۸۹/۱/۱۸
۵۹	✓ کنیز بی بی	مستور	۲	معین صاحب امنیتی	برحال	۱۳۸۹/۳/۱۱
۶۰	✓ انیسہ مقصود	مستور	۱	معین صاحب امنیتی		

ردیف	اسم	وظیفه	تعداد افراد	مقام امن دهنده	موقف	ملاحظه
۴۱	حیات الله ابراهیمی	سائقور	۳	معین صاحب امنیت	برحال	۱۳۸۹/۱/۲۹
۴۲	سید ناصر امین زوی	سائقور	۳	معین صاحب امنیت		۱۳۸۹/۱/۲۹
۴۳	لاری منگل	سائقور	۱	معین صاحب امنیت		۱۳۸۹/۱/۱۴
۴۴	اجمونی احمدزی	سائقور	۲	معین صاحب امنیت		۱۳۹۰/۳/۵
۴۵	ظاهری	سائقور	۱	وزیر صاحب امور داخله		
۴۶	مولوی امین التین مظفری	سائقور	۱	وزیر صاحب امور داخله		۱۳۸۹/۲/۶
۴۷	سلوات قلجی	وکیل	۱	وزیر صاحب امور داخله		۱۳۸۹/۲/۲۷
۴۸	محمد عام ابراهیم	نایب اول مشر الوجرگه	۳	معین صاحب امنیت		
۴۹	رفیع الله گل افغان	نایب دوم مشر الوجرگه	۱۰	معین صاحب امنیت	برحال	۱۳۹۰/۲/۲۱
۵۰	واحد مسلمان	سائقور	۲	وزیر صاحب امور داخله		۱۳۹۰/۱/۱۱
۵۱	فضل الهادی مسلم یار	رئیس مشر الوجرگه	۱۸	وزیر صاحب امور داخله	برحال	
۵۲	مولوی عبدالوکیل راضی	مشی مشر الوجرگه	۳	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۲/۱۳
۵۳	عارف الله پشتون	سائقور	۱	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۱/۰۴
۵۴	ایمف الله بابا	سائقور	۳	وزیر صاحب امور داخله		
۵۵	محمد یونس تخاری	سائقور	۲	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۱/۲۴
۵۶	غلام معین التین منصور	سائقور	۱	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۸۹/۱۱/۲۳
۵۷	سلطان جان خانکسار	سائقور اسبق ولایت لوگر	۲	وزیر صاحب امور داخله		
۵۸	حاجی فرید	وکیل اسبق ولایت کاپیسا	۱	وزیر صاحب امور داخله		
۵۹	کیر افغان	وکیل	۱	وزیر صاحب امور داخله		
۶۰	سید عبدالصبور خدمت	وکیل ولسی جرگه	۲	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۱	الحاج حسن صحرایی	//	۲	وزیر صاحب امور داخله		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۲	عبدالوکیل فقیر زاده	//	۲	//		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۳	موسی خان نصرت	//	۲	//		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۴	الحاج حنیب الرحمن افغان	//	۴	//		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۵	حاجی محمد داود گلگانی	//	۱۰	//		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۶	نهیضه سادات	//	۲	//		۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۷	محمد اسحاق "رنگین"	وکیل ولسی جرگه	۵	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۸	عبدالله "بارکزی"	وکیل ولسی جرگه	۳	وزیر صاحب امور داخله	برحال	۱۳۹۰/۱۱/۲۱
۶۹	مجموع برتال و غیره	مجلس	۸۳			
۷۰	مجلس		۸۳			

(این فهرست از وبسایت کابل پرس برگزیده شده است)

اداره "کابل پرس" طی تبصره یی افزود که این فهرست نشان میدهد که رسول سیاف با داشتن 39 محافظ، ملا تره خیل کوچی 30 محافظ، حاجی الماس 20 محافظ، فضل الهادی مسلم یار 18 محافظ، محمد یونس قانونی 29 محافظ و ملا عزت الله عاطف 23 محافظ، از زمره وکلای هستند که بیشترین محافظان مسلح را با خود دارند. (ادامه دارد)

افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش نهم)

اعتراضها در برابر زورگویی ها و عدم مجازات جنایتکاران جنگی

دولت مرکزی ضعیف، نهاد های مفسد مربوط بدان، پارلمان نشین های جهادی زورگو، رشوه گیر، عقبگرا و کم فهم در امور علمی و حقوقی، قوه قضائیه نا مؤثر، عدم احترام واقعی به قانون، دست اندازیهای غرض آلود بیگانه گان در امور داخلی و صد ها دلیل دیگر، موجب آن گردیده بود که جنگ سالاران سابق، متنفذین محلی، مامورین عالیرتبه و برخی از وکلای پارلمان، هنوز هم با سوءاستفاده از مصونیت پارلمانی و یا استفاده از پول و نفوذ دولتی، گروهبندی و دهاره بازی، دست به خود سربها، برخورد های مسلحانه، قتل و اختطاف رقبا و حتا مقاومت مسلحانه در برابر نیرو های امنیتی دولت بزنند. مثلاً، رسانه های افغانستان در ماه جولای 2013م گزارش دادند که شخصی بنام " الله گل مجاهد " وکیل ده سبز در پارلمان، از یک گروه مسلح خصوصی خویش در مقابل افراد پولیس کابل استفاده مسلحانه نموده و در نتیجه، باعث قتل چندین نفر گردید. گزارشها بیان داشتند که تعدادی از اهالی ده سبز (واقع در حومه کابل) بخاطر زورگویی و غصب زمین های شخصی و دولتی توسط " الله گل مجاهد"، در مقابل عمارت پارلمان دست به تظاهرات زدند. جنرال محمد ظاهر رییس تحقیق ولایت کابل نیز به رسانه ها گفت که " از رییس جمهور کشور خواسته است امر دستگیری الله گل مجاهد را صادر نماید" که هرگز چنین نشد.

بهمان سلسله، از وقایع قانون شکنانه دیگر نیز توسط افراد مقتدر جهادی و دولتی، اقوام و اعضای خانواده های آنها در شهر کابل و سایر نقاط افغانستان نام برده میشود. این زورگویان و واسطه داران، ازلت و کوب بی باکانه دیگران تا غصب مال و دارایی شخصی و ملی، از تجاوزهای جنسی بالای زنان، دوشیزه گان و حتا کودکان تا قتل و قتل اشخاص و افراد ابا نداشتند. تأسف بار ترا همه این بود که هیچ منبع و مرجع امنیتی و قضایی نمیخواست و نمیتوانست جلو اعمال زورگویانه، جنایتکارانه و ضد قانونی آنان را سد سازد. نمونه های این نوع زورگویی و رویداد های دلخراش ناشی از آن خیلی زیاد بود و هرگاه قرار باشد از همه آنها در اینجا نام ببریم، موضوع به درازا خواهد کشید.

در عین حال، گروهی از جوانان مبارز داخل افغانستان بنام " گروه جوانان آزادیخواه افغانستان" یا " حزب همبستگی افغانستان " در ماه دسامبر سال 2012 میلادی، با براه اندازی یک کمپاین اعتراضی و افشاگرانه در سراسر شهر کابل و با نوشتن شعارهای دیواری بر ضد جنایتکاران جنگی و رهبران تنظیمی - جهادی و در عین حال، با ترسیم شعار " یانکی ها بخانه تان بر گردید! " یا (امریکایی ها به کشورتان برگردید!)، واکنش شان در برابر اشغال کشور و بیعدالتی های مروج به نمایش گذاشتند. همین گروه جوانان، با براه اندازی تظاهرات دامنه دار و بلند کردن شعارهای ضد وطن فروشان و جنایتکاران جنگی و عکسهای آنان، صدای خفته قربانیان جنگ و بازمانده های آنان را بگوش مقام های دولتی و مؤسسات جهانی رسانیدند.

در هفته اول ماه می سال 2013 میلادی و در آستانه روزهای (هفتم و هشتم ثور) بود که باز هم افراد و کادرهای "حزب همبستگی افغانستان" اقدام براه اندازی تظاهرات مسالمت آمیز در شهر کابل، بخاطر سکوت دولت در برابر محاکمه جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و احقاق حقوق اکثریت مردم افغانستان بعمل آوردند. اما این بار، با آنکه مقام های امنیتی اجازه چنین تظاهراتی را قبلاً صادر نموده بودند، نیروهای آنها باتوسل به زور، هم

جریان تظاهرات را شدیداً اخلاص نمودند و هم یکتعداد از اعضای حزب متذکره را دستگیر و به زندان افکندند. بعداً " دیده بان حقوق بشر" در افغانستان، نه تنها از دستگیری و حبس اعضای حزب " همبستگی" توسط نیرو های امنیتی خبر دادند، بلکه از شکنجه و " وحشیگری " مؤظفین پولیس در برابر دستگیر شده ها نیز تذکر دادند. " براد ادامز" رییس بخش آسیایی سازمان " دیده بان حقوق بشر" در این باره گفت : " طوری به نظر میرسد که دستگیری ولت و کوب بیرحمانه معترضان صلح آمیز، به هدف فرستادن پیامی برای تمام افغانها باشد که در محضر عام از دولت انتقاد نکنند... زخم هایی مانند کبود شدگی و پندیدگی را در بدن بازداشت شده گان مشاهده نمود. . . واکنش ظالمانه دولت علیه تظاهرات دوم می، یکی از نشانه های خطر در حال افزایش سرکوب دولتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری 2014 است که باید هرچه زود ترمورد رسیده گی قرار گیرند.

"



نمایی از تظاهرات حزب همبستگی افغانستان در دوم ماه می 2013م در کابل

